مجله فکاهی

۳۰

مُلانصرالدین



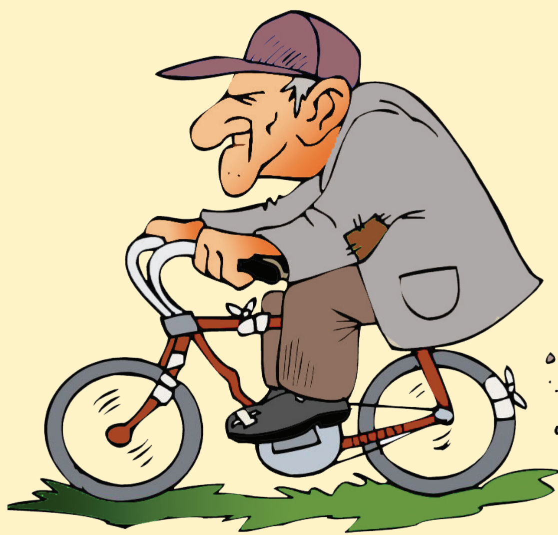


مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.

سر و ته مقاله



رفتم از عباس آقا ماست بند، یخته ماست بگیریم، دیدم تلویزیونش داره می گه که ویروس هندی داره می‌آد ایران! زکی این دیگه چی می‌گه؟

ما که از قدیم می گفتیم کار، کارِ انگلیسی هاست؛ دیدین که ویروسشو چقذه خاک بر سرتر از بقیهٔ ویروس ها بود؟ اما ننه‌م همیشه برام می‌خوند: "یک زن هندی بستون، اسمشو بذار انقزی دور کلاش قرمزی..." یعنی این انقزی که ننه‌ام می گفت همین ویروس کرونای هندیه؟

ننه جون تو که می خواستی برام زن هندی بستونی، تهش رسیدیم به این سکینه ورپریده، حالا هم که ویروس هندی اومده، بازم بهش میگن «جهش یافته» جهش یافته یعنی چی چی؟ مگه کرونا سگه که هی از جاش می‌جهد؟

اینو به عباس آقا گفتم، هرهر خندید و گفت: "احمد آقا! جهش یافته یعنی ورپریده!"

بع! جل الخالق! هم زن هندی ورپریده، هم ویروس هندی ورپریده؟ یعنی که چی؟

باز هم عباس آقا خندید! گفت: "مگه تا حالا فلفل هندی نخوردی؟ هر کی بخوره، چطو می‌شه؟"

گفتم: "خب ور می پره! زکی! پس چرا هی می‌گن جهش یافته؟ خب بگن ورپریده!"

عباس آقا که امروز خیلی سر حال بود، گفت: "خب تو بگو ورپریده... کی می‌خواد بگه نه؟"

می‌گم! پس چی چی؟ می گم: ورپریده! مگه قرار نبود هندی ها بشمون زن هندی بدن و اسمشو بذاریم انقزی؟ حالا ته کار رسیدیم به ویروس کرونای ورپریده؟ لابد اسمش هم می‌باس بذاریم انقزی!

من که ویروس کرونا ندیدم که... اما اگه کلاه داشته باشه و دور کلاش قرمزی، می فهمم که این هم توطئه است. یعنی این پدرسوخته‌ها از اولش قرار نبود بشمون زن بدن... این‌ها می‌خواستن بشمون ویروس کرونا بدن «انقزی، دور کلاش هم قرمزی...»

پس کار، فقط کار انگلیسی‌ها نیست، کار هندی‌ها هم هست!

به به! به به! عجب وضعی برامون راه انداختن... اون از فلفل هندیشون، این هم از ماهیت واقعی انقزیشون!

چشمم روشن! چشمم روشن! نشستیم بی خبر و این همه خبر برامون درست کردن! برم به عباس آقا ماست بند خبر بدم... مملکت می‌باس هشیار بشه!

محل انگشت شصت: احمد آقای قاطی پاتی



اثر سوراندرا، روزنامهٔ هندو

اخبار داخله

قالیباف برای حضور در انتخابات، نه تنها شرطی تعیین نکرده، بلکه کلی شرط هم می‌پذیرد!



مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، اعلام کرد: "کی گفته قالیباف برای حضور در انتخابات شرط تعیین کرده..؟"

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملا نصرا لد ین ، یکی از کارشناسان که خیلی سرش می‌شود، اما عمرا اسمش را بگوید، در این باره گفت: "مهدی چمران کاملا درست می‌گه..! قالیباف، بندهٔ خدا از دورانی که پُستش را برداشتند و دادند احمدی نژاد، همین طور زنبیل گذاشته و نشسته به انتظار... اصلا ترانهٔ ستار، کاش بدونم از کدوم جعده می‌آی تا بشینم لحظه‌ها به انتظار، در بارهٔ ایشون اصلا صدق نمی‌کنه، چون تا حالا کلی سال، نشسته به انتظار..! حالا بیاد شرط هم بذاره؟"

خبرنگار ما پرسید: "حالا شرطی نمی‌خواد بذاره، شرط قبول می‌کنه؟"

همان یارو پاسخ داد: "اولا نه ایشون، بلکه همه، کلی شرط قبول می‌کنن؛ یعنی آماده‌اند از همه صغیر و کبیر، شرط و شروط ریز و درشت قبول کنن. غیر از این، اصولا شرکت در انتخابات ریاست جمهوری بعدی، یک شرط بزرگ داره و اون این که شرکت کننده، باید مغز خر خورده باشه! چون مملکت اصولا ورشکسته و هر کی رئیس جمهور بشه، معنیش اینه که کل این بدبختی را باید برعهده بگیره."

کرونای جهش یافتهٔ ایرانی در راه است!

در پی انتشار اخباری دربارهٔ شیوع کرونای هندی در ایران، یکی از کارشناسان، خبر بدتری را به رسانه‌ها داد: شواهدی از کرونای جهش یافتهٔ ایرانی دیده شده است!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از کارشناسان که به پایمان افتاد تا اسمش را فاش نکنیم، اما اسمش مش رضاست، از ظهور کرونای جهش یافتهٔ ایرانی خبر داد. او به ما اطلاع داد که این کرونا بسیار وحشتناک‌تر از گونه‌های دیگر است و اگر جامعه را فرا بگیرد "یعنی کارمون ساخته است!"

او به خبرنگار ما گفت: "این کرونا یه چیز خفنه! اولین ویژگیش می‌دونی چیه؟ اینه که زبون آدمیزاد نمی‌فهمه. یعنی واکسن بی‌واکسن! عمرا این واکسن‌ها بتونن کاریش بکونن. یعنی غلط می‌کنن! مال این حرفا نیستن! ویژگی بعدیش اینه که فقط به ضرب جوج و چلوکباب می‌تونی یه مدتی نیگرش داری که کل ریه و میه و سیراب شیردون آدمو درگیر نکنه! هی می‌باس بری شمال و بعد هی جوج و کباب سیخ کنی بذاری رو منقل بزنی به بدن..! اصلا هم نمی‌فهمه کروناست و می‌باس بمونی توو خونه! نع! می‌باس هر پنج شنبه، جمعه شمال باشی..."

خبرنگار ما گفت: " مش رضا..!"

کارشناس ادامه داد: "ببین! خدا نکنه این ویروس از اینی که هست، بیشتر اوج بگیره..."

خبرنگار ما سخنش را قطع کرد: "هوی با توما..! همین حالا سرت رو می‌ندازی پایین و می‌ری رد کارت وگرنه همچی بزنم به جای دیگه‌ات که گشاد گشاد بری! مرتیکه منو گذاشتی سر کار... ده برو دیگه..!"

بازی زوو بین ایران و آمریکا

کارشناسان معتقدند: به سبب شدت مذاکرات وین، هیات‌های شرکت کننده از فرط بی‌حوصلگی، مشغول انجام بازی زوو شده‌اند.



خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به گفته یکی از کارشناسان که اصلا خودمان رغبت نکردیم از این هپل اسمش را بپرسیم، تاکید کرد: "می‌دونی چیه! این‌ها هی می‌شینن حرف‌های قشنگ قشنگ به همدیگه می‌زنن، بعدش که قرار می‌شه که همین‌ها را بنویسن، یه آهانا به هم نشون می‌دن، دوباره از اول...بر می‌گردن سر جا اولشون. یه جور بازیه!"

کارشناس بعدی که در حال قلیان کشیدن بود و دودش را در صورت ما فوت می‌کرد، گفت:" آره داداش این اصلا بازیشون گرفته... دارن از این بازی سوت سوتی‌ها می‌کنن!"

خبرنگار ما گفت: "بازی سوت سوتی دیگه چیه؟ بهش می‌گن زوو!"

یارو باز غل غل قلیون کشید و با دهان پر از دود پاسخ داد: " آره همون دیگه، زوو زووو...هی طرف هم نزدیک می‌شن و می‌گن زوو، بعد هی عقب عقبکی می‌رن، یارو می‌آد، جلو... بعد دوباره برعکس می‌شه!"

آن یکی پاسخ داد: "خو آره دیگه! می‌دونی چند هفته است که دارن مذاکره می‌کنن. حوصلشون سر می‌ره. اولش این طور شق و رق می‌شینن. خبرنگارا که رفتن، لباس‌هاشونو در می‌آرن، با پیژامه می‌شینن ورق می‌زنن، منقل می‌زارن، از اون چیز خوب خوبا می‌کشن... نه جنس آشغالی‌ها، جنس خوب..!"

شایان گفتن است، من صد دفعه به این خبرنگار احمق گفتم: "آخه گوساله کی می‌ره سر چهاراه سیروس وسط بنجل فروشی‌ها و جنس دزدی فروش‌ها، دنبال کارشناس می‌گرده... آخرش هم نمی‌فهمه!"

احمدی‌نژاد رقابت انتخاباتی را در نقش لولو آغاز کرد!

محمود احمدی‌نژاد راه افتاده در شهرها و قصبات می‌گرده و در حال ترساندن فرهیختگان برای انتخابات ریاست جمهوری بعدی است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این مقام سابق، در پروژهٔ لولوسازی به شدت فعال شده است. به گفتهٔ یکی از کارشناسان، او قصد دارد کسانی را که قصد ندارند در انتخابات ریاست جمهوری بعدی شرکت کنند، بترساند. این کارشناس که برای عدم شناسایی، اسم مستعارِ مرغک تخم طلا روی خودش گذاشته بود، در این باره به خبرنگار ما گفت: "این بابا، در پروژهٔ لولوسازی فعال شده و داره به اون‌هایی که نمی‌خوان در انتخابات شرکت کنن، می‌گه: هوو هوو! منم منم گرگ سیاه، اگه رای ندی، خودم می‌آم می‌خورمت!"



همراه با دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

– سلام به استاد بزرگ و معلم آدمیان، جناب دکتر الاغ خرنژاد، باز هم ماهی گذشت و ما خدمت استاد رسیدیم تا تلمذ کنیم.

• اینقذه بلبل‌زبونی نکن! این هفته دیگه چی داری که بپرسی؟

– مذاکرات هسته‌ای! مثل این که داره به نتیجه می‌رسه و...

• به نتیجه رسید؟

– نه داره می‌رسه!

• ها..!

– شما نظری ندارین در این مورد!؟

• نظر..!؟ نع! چه نظری... مبارکه ان شاالله! تا باشه از این بخور بخورها باشه. یکی زور می‌زنه، یکی دیگه می‌زاد!

– خیلی خب! می‌خواستم ببینم شما احساس می‌کنین که ممکنه به نتیجه برسه، یا باز مشکلی هست؟

• یا باز مشکلی هست؟ اصلا کلش مشکله...

– چه مشکلی؟

• مذاکرهٔ هسته‌ای بین کی و کیه؟

– بین ایران و آمریکا!

• خیلی غلط کردی؟

– چرا؟

• یکیش درست بود. یعنی ایران..! اما اون یکی دیگه‌اش آمریکا نیست...

– لابد اسرائیله!

• نع! اسرائیل اسم بازندهٔ بزرگ این بازیه...

– پس کی؟

• بنیامین نتانیاهو و باندی که پشتش را گرفته در ایالات متحدهٔ آمریکا... وقتی مذاکره در حال به نتیجه رسیدنه، از دو حال خارج نیست. یا این که عمر سیاسی این نکبت بلاخره تموم شد و ایشون دارن گورشون رو می‌برن، یا این که بازی عوض شده... دیدن زیادی چماق زدن، حالا نوبت هویجه!

– خب باز هویج خوبه!

• نادان! هویج برای من خر خوبه که تکلیفم با صاحبم مشخصه! با توی آدم مدعی، هویج یک جور چماق دیگه است.

– شما هم بدبینین، خداییش!

• من بدبینم یا پروین شما که می‌گه: ای عجب این راه، نه راه خداست، زان که در آن اهرمنی رهنماست.

– من پاک گیج شدم!

• نمی‌خواد گیج بشی! یه نیگا به کنگره کن؟ کلا پشت سر اسرائیل ایستاده... همین کنگره داره نیروهای آمریکایی را از افغانستان می‌کشه بیرون. برای خروج از عراق هم فقط دنبال بهونه است تا شر عظمی نشه.

– خب، این یعنی ما بردیم؟

• جون من؟ تو بردی؟ ایشالله..! اما بوی گند اینه که کشتی‌بان رو سیاست دیگر آمده باشد. یعنی از در برن بیرون و عدل از پنجره برگردن. همیشه هم همین بوده... پذیرفتن برجام، به اضافهٔ خروج از افغانستان و خروج احتمالی از عراق...



همهٔ این‌ها یعنی باخت بزرگ! کدوم رئیس‌جمهوری اینقذه احمقه که اول کار این طور وا بده؟ در نهایت کنگره مال خان باجیه!

– خان باجی کیه؟

• لابد بنیامین نتانیاهو! یا کسی که پشت سرشه و این مردک، به عنوان ماسکش انجام وظیفه می‌کنه.

– بذار یه کم به مغزم فشار

بیارم. دارین می‌گین یا توپ را سانتر می‌کنن توو زمین کنگره و اجازه می‌دن وقت بگذره... یا برنامهٔ دیگه‌ای توو سرشونه که ... والله کم آوردم!

• که از داخل با سرمایه‌گذاری روی آدم‌های ابله، کارشون رو راه بیندازن..!

– اوخ! کم هم احمق نداریم.

• بگو ماشاالله..!

– پس حالا راه چاره چیه؟

• هیچی! فقط یه مسیر داریم و همون مسیر رو هم باید ادامه بدیم.

– می‌شه دربارهٔ آدم‌های احمق داخل حرف بزنیم.

• فقط دربارهٔ احمق‌ها حرف بزنیم یا بریم سراغ زرنگ‌های احمق‌نما..!

– اونها دیگه کی‌ان؟

• فعلا بذار همین یونجهٔ وارداتی خوشمزه رو که تازه اومده، دهن بزنم، به اونها هم می‌رسیم.

– مگه یونجه را وارد می‌کنیم؟

• هههههه گفتی زرنگ‌های احمق نما کی‌ان؟

– بله!

• خب جوابت رو گرفتی... اون‌هایی که کاری می‌کنن که با وجود این همه زمین و کارگر بی‌کار و امکانات، همین یونجهٔ ناقابل از بیرون بیاد. سودش اقلا چند برابر یونجهٔ داخلیه!

– اوف! فقط یونجه که نیست...

• فقط هم اونها نیستن! برای آمریکایی‌ها هم بد نیست که جنگ داخلی بشه...

– ای ددم وای!

• حالا نمی‌خواد زود روضه بخونی. اول برجامت را زنده کن. فعلا وضعت از اونی که گفتم خیلی بدتره! کل تاریخ ایران رو جنگ با احمق و زرنگ‌های احمق‌نما تشکیل داده... رومی‌ها هم بعد از مرگ کروسوس و فرار آنتونیونی، کنیزکی رو به اسم تراموزا به فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی پیشکش کردند. اعلی حضرت ابله، این مثلا کنیزک، اما در اصل جاسوس زبدهٔ رومی را کرد ملکهٔ ایران زمین و این ملکه، نه تنها فرهاد چهارم را کشت، بلکه بچه‌های خودش رو که از فرهاد داشت، یکی یکی سر به نیست کرد و سالیان دراز بر ایران حکومت کرد و بعد که رازش فاش شد، فرار کرد و برگشت روم، مثل یک قهرمان ملی ازش استقبال کردند.

– یا خدا! این دیگه چه داستانیه!

• جالبه بدونی آقا فرهاد، در ازای چی، این تحفهٔ رومی رو دریافت کرد.

– در ازای چی؟

• بازگرداندن کل درفش‌های یگان‌ها یا به قول خود رومی‌ها، لژیون‌های رومی که در نبرد حران، نبردی که کراسوس امپراطور روم و دو پسرش کشته شدن، به دست ایرانیان افتاده بودن. می‌دونم که اهمیت این درفش‌ها را نمی‌دونی. اما ملت روم با اشک و آه از این درفش‌ها استقبال کردن و یک سخنور مهم رومی گفت: امروز پایان دوران سرشکستگی روم است. عوضش یه زن خوشگل به ایران دادن که در اصل جاسوس بود و برای انتقام آمده بود. این توهین، چنان جنگ داخلی در ایران درست کرد که نه تنها ایران را ضعیف کرد، بلکه سالیان بعد، به سرنگونی سلسلهٔ اشکانی منجر شد. قدرت حماقت رو در ایران دست کم نگیر، ای آدمیزاد باهوش ایرانی! هههههههه

– خب این مال خیلی وقت پیشه، مگه نه!؟

• فک کنم این نقشه رو همین اواخر، با آخرین اعلیحضرت تاریخ ایران، داشتن سرتون می‌آوردن..! فقط خانوم ملکه، به جای اسپرم، فکرشون خارجکی بود.

– سرم درد گرفت! بهتره همین جا تمومش کنیم.

• آره بهتره، تمومش کنی! من هم به این یونجهٔ خوشمزهٔ خارجی وارداتی برسم که خیلی گشنمه...

– خداحافظ..!

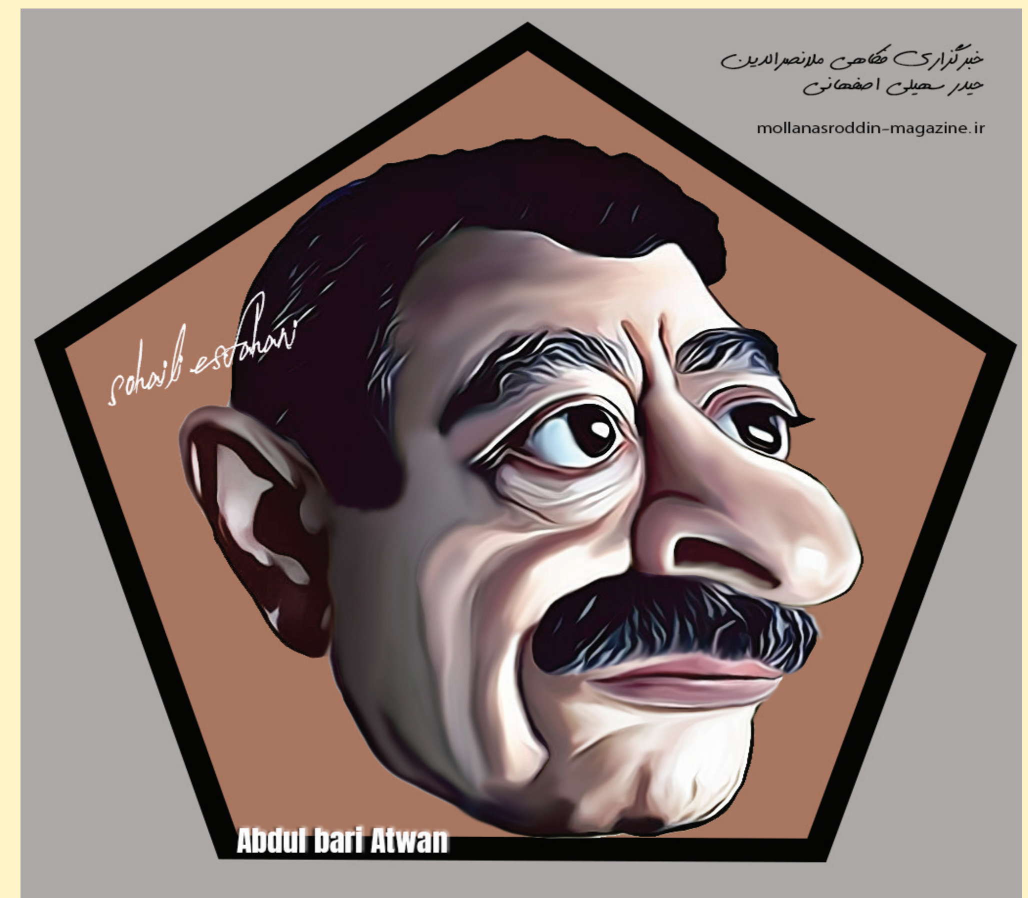
• زت زیاد!

بحران موشکی کوبا- ۱۹۶۲





کارتون های مُلانصرالدین



msn agency cartoon©2021
https://msn-agency.ir/
haidar sohaili

گپ و گفت

– شنیدی اصغرزاده از نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری انصراف داده..؟

• کی هست؟!

– چطو نمی‌شناسی! همونی که از دیوار سفارت بالا رفتن رو باب کرد...

• ها، شناختم! بالا رفتن از دیوار را باب کرد و همه یاد گرفتن، بعدش گفت: کار خوبی نیست، دیگه بالا نرین! این‌ها که صلاحیتش را تایید نمی‌کردن، برای چی نامزد شد؟

– نمی‌دونم والله شاید برای این که بعدش انصراف بده!

• والله بد فکری هم نیست. از قدیم هم باب بوده... رالف نادر یادت می‌آد...

– نع!

• نع و نکمه! تو اسم شهردار شهرت رو هم بلد نیستی، رالف نادر را از کجا بشناسی؟

– من از آقا نادر بهتر بلدم! همین آقا محسن خودمون! هر چهار سال می‌آد نامزد می‌شه، با این که می‌دونه رای نمی‌آره. همین جوری الکی الکی، از جنیفر لوپز هم مشهورتر شده...

• نه داداش! ایشون شهرت از جاهای دیگه داره... طنز ما را خراب نکن!

– ببینم مگه این اصغرزاده از جاهای دیگه شهرت نداره که دوباره تجدید شهرت می‌کنه!

• ببین داداش! نامزدی رئیس جمهوری خصوصا اگه تائید صلاحیت بشه، اجازه می‌ده که آدم شهرت خوب خوب برای خودش درست کنه. کسی که دنبال شهرت بد نیست.

– ها فهمیدم! می‌رن مناظره شرکت می‌کنن حرف‌های خوب می‌زنن، شهرت بدشون کم می‌شه! اما اصغرزاده که کارش به این جا نمی‌کشید.

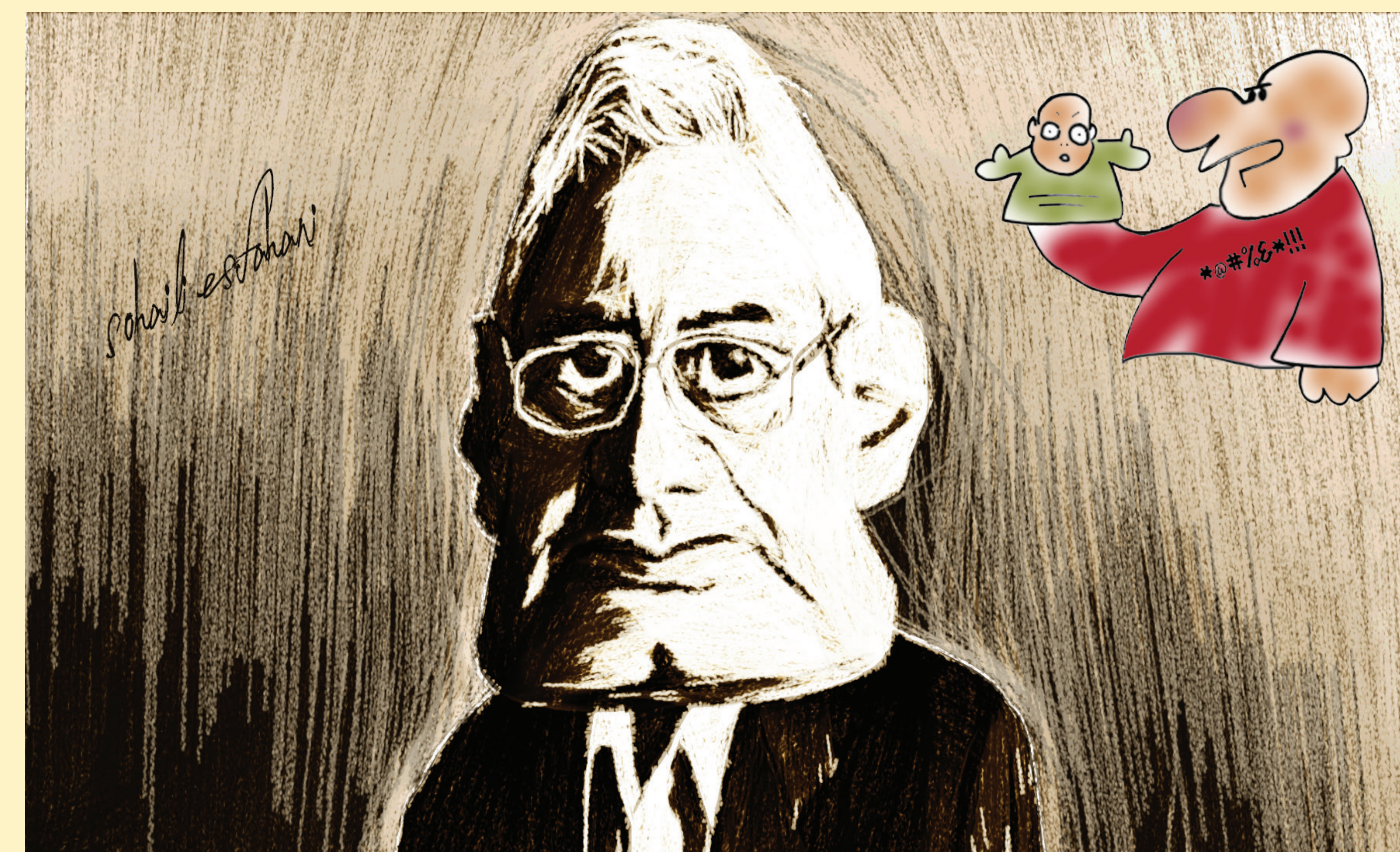
• باشه! همین که پا پیش می‌زاره، دوباره اسمش سر زبون‌ها می‌افته، همین هم خوبه! گاهی بوی کباب کم از خود کباب نداره... از قدیم گفتن: المفلس فی امان الله!

– پس به قول عرب، للإنتخاباتِ درجات..! یعنی انتخابات هم درجه داره...

• این مثل را دیگه از کجا به ناف عرب بستی؟

– آخه ما داشتیم دربارۀ حوزۀ سیاست حرف می‌زدیم که اصولا نوعی به ناف بستنه!

• ها..! از اون لحاظ..!

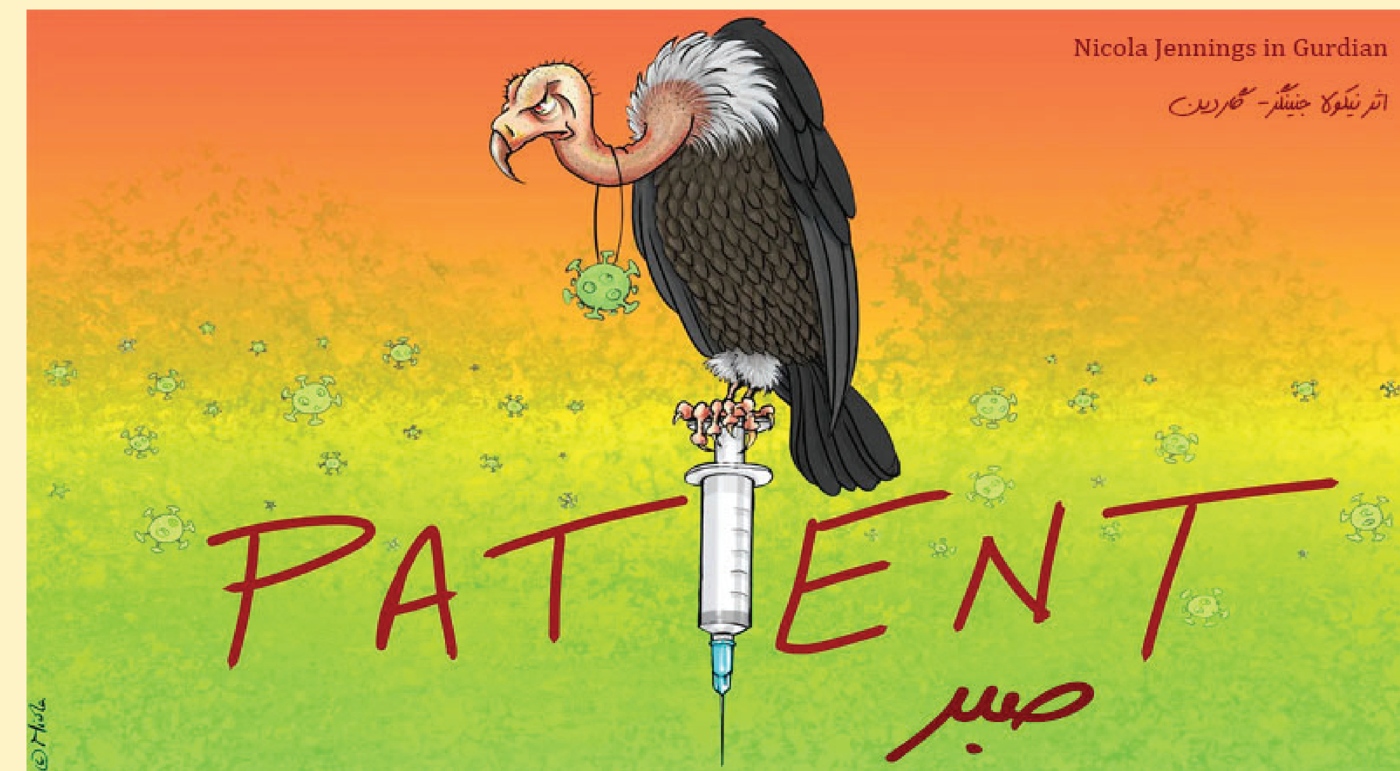


کارتون‌های وطنی

کواکبیان: آقای احمدی نژاد قیافه شما به دفاع از آزادی و دموکراسی نمی خورد



اثر بهرنگ جدی

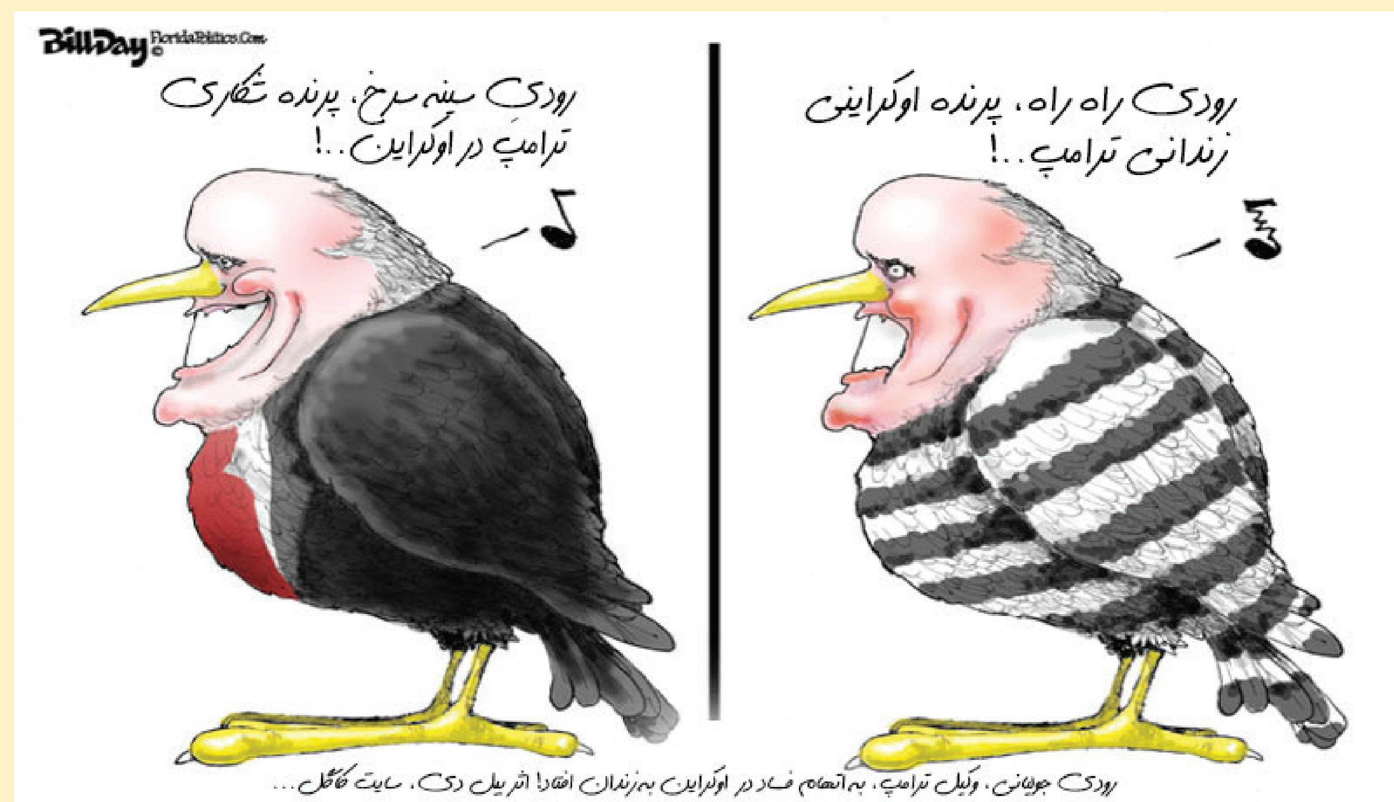


کارتون های خارجی





کارتون های خارجی



نامه‌های جنجالی



درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضعِ اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد. در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر پادشاه اردن بخواهد برای ولیعهد سابقش نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

نامهٔ ملک عبدالله دوم، به حمزه ابن الحسین ولیعهد سابق

لابد سلام هم می‌خوای آره!؟ اگه بفهمم که فازت چی بوده این همه سر و صدا به پا کردی، خیلی راحت می‌شم. وقتی هم آدم فرستادم برات که بچه بشین سر جات زندگیتو بکن، باز به آدم من می‌گی فلان و بهمان و این که من ولیعهد بودم و إله و بِله و جیم بِله!

خوشم می‌آد که وقتی شلوغ می‌کنی، اول همه خودت جوگیر می‌شی!

من هم برات عمو جان را فرستادم! همین شاهزاده حسن بن طلال، جانشین برحقِ ملک حسین، بابای من و تو... کی کله پاش کرد؟ ننهٔ تو! با چه هدفی؟ با هدف این که من مثلا شاه بشم و بعدش تو بشی جانشین من و وقتی تو بشی جانشین، چه اتفاقی می‌افته، پسر تو می‌شه شاه مملکت و بعدش هم اصلا نظام موروثی از پدر به پسر و نه برادر منتقل می‌شه!

اوف!

عجب ننهٔ باهوشی داری! یعنی می‌دونی چیه؟ اگه هرکول پوارو و خانم مارپل می‌نشستن و با هم نقشه می‌کشیدن، عمرا به گرد پای نقشهٔ ننهٔ تو می‌رسیدن... جل الخالق! بابا، خانم ملکه نور، تو دیگه کی هستی!

گیریم من و امیر حسن و بقیه همه از دم قاق، رفقای انگلیسی که عمری این مملکت رو اداره کردن اینقدر ساده‌لوح تشریف دارن که ننهٔ تو دستاشو تا آرنج بکنه توو معدهٔ انگلیس و لقمهٔ چرب و نرم اردن رو بیرون بکشه و بندازه تووو بغل آمریکا...

خب پسر جون! دیگه تعریف کن..!

طبق معمول کی قرار بود کمک کنه؟ بزغالهٔ بی‌شعوری مثل محمد بن سلمان... یکی نیست به این بدبخت بگه، آخه در ازای این همه نوکری، چیزی هم گیرت اومده؟ یا فقط چپ و راست هزینه بده و آخرش هم معلوم نیست چطوری کله پات می‌کنن!

ببین حمزه! خیال کردی کار به همین راحتیه؟ انگلیس را دور می‌زنی و این جا را می‌کنی تیول آمریکا! لابد بعدش هم می‌خوای رسما اعلام کنی هیچ کاری به کار مسالهٔ فلسطین نداری و فلسطینی‌ها بهتره خودشون فکری به حال خودشون بکنن!

این جای کار را باید کلی خندید! مگه من و بابام و اجدادمون تا حالا داشتیم چی کار می‌کردیم؟ فقط با یک فرق! مثل این اماراتی و بحرینی‌های ابله و البته سعودی‌های ابله‌تر، دنبال اعلام رسمی و طنازی و عشوه‌گریِ حال به هم زن نیستیم. یکی به نعل می‌زنیم و یکی به میخ! ته کار هم همونی می‌شه که انگلیسی‌ها می‌خوان..!

فرق انگلیس با آمریکا همینه..! آمریکایی‌ها هر چی صد در صد ظاهر و رو کار نباشه، باهاش حال نمی‌کنن. معلومه هم چرا! چون همهٔ این‌ها یه مشت کارمندن و باید سر شیرین‌کاری‌هاشون شلوغ بازاری راه بندازن تا ارباب ببینه و خوشش بیاد.

اما از هر چه بگذریم سخن دوست خوش‌تر است!

این ننه‌ات خیلی با حاله! یعنی جوری پنبهٔ امیر حسنِ ولیعهد، همین عمو جان خودمونو را پیش ملک راحلَ، ملک حسین زد که با همون حال زارش دوید اومد عَمان، عمو جان رو کله پا کرد و منو کرد نایب الحکومه و جناب عالی را کرد ولیعهد... البته ولایت عهدی بنده هم پیشنهاد ننه جان شما بود. خداوند، پدرش رو بیامرزد! فارغ از هدف، وسیله هم شیرینه. البته علت این که با صحت و سلامت جسم و جیب در حال گذران حیاته، مال همینه، وگرنه ما خاندان هاشمی فرزندان بادیه‌ایم... من یکی که از یک طرف دیگه هم بچهٔ موونا خانومم... یعنی همون آنتوانت آرویل گاردینر انگلیسی... یعنی عین انگلیسی‌ها بلدم با پنبه سر ببرم. نه مثل اون رفیقت، اره برقی به دست، وسط استانبول راه بیفتم.

به تعبیر بهتر، داداش جان، اگه ننه جان شما همین خدمت را به من نمی‌کرد، رفقای انگلیسی بلایی سرش می‌آوردند که نامهٔ عاشقانه بنویسه و در آن طلب مرگ کنه و البته ما استنکاف کنیم!

داداش جون! نقشه‌ای که قرار بود تو را به قدرت برسونه، منو به قدرت رسوند و حالا پسرم جانشین منه. اشکالی داره؟ قرار بود من بمیرم و تو بشی شاه و پسرت بیاد سر کار و بعد... همین که من کردم دیگه؟ ما دو تا دادشیم! من و شما نداره!

حالا..!

عمو جان را انداختم وسط تا کلی حرف بزنم. به خودش بگم عمو جان! رسما به دست پدر برکنار شدی و من رسما به دست پدر، شاه شدم. قانون سلطنت هم اجازه می‌ده که بنده در کسوت شاه، برای جانشینی خودم تصمیم‌گیری کنم و البته نظر شورای سلطنت هم شرطه که اون‌ها هم چشمشون کور، نظرشون رو موافق با بنده دادن! البته اون طفلک که صداش در نمی‌آد. واسه همینه که کردمش ریش سفید خاندان!

به جناب‌عالی هم خواستم بگم: اگه قراره تغییری داده بشه، اول از همه همین عمو جان صاحب حقه که ننه‌ات کله پاش کرد و به تو و ننه‌ات بگم: چیزی که عوض داره، گله نداره!

بعد هم جفتتون رو بردم سر قبور اجدادمون تا هم ملت اردن حال کنن و احساساتی‌ها آب غوره بگیرن و هم به شما بفهمونم که همیشه گزینهٔ دیگری هم هست! هر موقع میل کردین، کافیه به خودم بگین! بفهمستی یا جور دیگه بگم؟



اخبار خارجه

وزیر دفاع آمریکا، به تلاش برای پایین آوردن کلاسِ کار اعتراض شدید کرد.

لوید آستین، به آن چه تلاش برای کاهش کلاس کار پایگاه‌های آمریکایی در عراق خواند به شدت اعتراض کرد و گفت: خوشم باشه، حالا دیگه موشک کاتیوشا بهمون می‌زنین؟

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، آستین که آستینش را بالا برد بود و کل خبرنگاران شرکت کننده در مصاحبهٔ مطبوعاتی‌اش را تف باران می‌کرد، با خشم گفت: شنیدم پایگاه عین الأسد ما را با موشک کاتیوشا می‌زنید، پیش از این، عمرا کمتر از بالاستیک یا کروز می‌زدین؟

او در حالی که اصلا اجازه نمی‌داد، از او پرسشی شود، تاکید کرد: "اگه موشک‌های بالستیکتان ته کشیده، اقلا کروز بزنین! یا جهنم و ضرر، از همون اسکاد قدیمی‌ها بزنین. نه دیگه این طور بشه که به ما راکت کاتیوشا بزنین. لابد بعدا هم می‌خواین با گلولهٔ توپ ما را بزنین یا خدای نکرده زبونم لال، با خمپاره..!

او در پایان در حالی که با افتخار انگشتش را تکان می‌داد، نعره کشید: "خاک بپاش، خاکریز بکش، سیم خاردار بکش! به مرد موشک می‌زنی، به مرد..!"



دیوید پترائوس: خروج از افغانستان، آخر خاک بر سری ما نیست!



وزیر دفاع پیشین آمریکا خاطرنشان کرد: حتی اگر نیروهای خودموان را از افغانستان بیرون بکشیم، این‌ها یک جای دیگه، ما رو خفت می‌کنن!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، پترائوس گفت: از افغانستان بیرون بریم، در عراق سر وختمون می‌آن! از عراق بیرون بریم، در سوریه سر وختمون می‌آن! هر جا بریم این‌ها دنبالمونن، حالیته!

وزارت امور خارجهٔ عراق خطاب به ترکیه: بشین آروم!

وزارت امور خارجهٔ عراق با فراخواندن کاردار ترکیه در بغداد، از تحرکات زیاد ارتش این کشور در شمال عراق ابراز نارضایتی و تاکید کرد: یه جا بشینین، اینقده شلوغ نکنین!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، وزارت امور خارجهٔ عراق، یادداشت اعتراضی را به گوجو کالاوات، کاردار ترکیه در عراق تسلیم کرد که در آن نوشته شده بود: " هم ماه رمضونه و هم ما روزه‌ایم و هم ارتش شما شلوغ می‌کنه. هر بار از این ور شمال عراق، می‌ره اونورش و هی جیغ و داد می‌کنه، نمی‌ذاره بخوابیم! یخته گوش این ارتشتون رو بگیرین، یه جا بنشونین، بذارین ما یخته بخوابیم!"



کاردار ترکیه در این دیدار تاکید کرد: "چون سفیر نداریم و من هم عربی بلد نیستم، این یادداشت را می‌فرستم ترکیه بخونن. احتمالا طبق سنت ترک‌ها در ماه رمضان، یخته پنیر براتون توش می‌ذارن و براتون می‌فرستن. من هم می‌آرم براتون تا با سبزی و خرما، دم افطار بخورین! "

محمد بن سلمان دیگه خیلی خوش بین شده!

در پی تحرکات اخیر ولیعهد عربستان برای بهبود روابط با ایران و سوریه، هر آن احتمال اعلام جنگ ریاض به اسرائیل وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در پی دیدار مقام‌های ایرانی و سعودی در بغداد و همچنین دیدار رئیس سازمان اطلاعات عربستان با همتای سوری‌اش، میزان جوگیری در خون ولیعهد عربستان سعودی، به شدت بالا رفته است و هر آن ممکن است اتفاق عجیبی از هر نوع که بگویید، روی دهد.

یکی از کارشناسان در این باره به خبرنگار ما گفت: "اسمم اغصره!" خبرنگار ما در پاسخ گفت: " نکبت اسمتو می‌خوام چی کار نظرت را بگو.."

اغصر گفت: " ها نظرم را بگم؟ به نظرم اگه فردا پس فردا محمد بن سلمان اومد تهرون و رقص اره برقی کرد، نباید تعجب بکنین!"

خبرنگار ما پرسید: "اون دیگه چیه؟"

اغصری گفت: " مثل رقص چاقو که قدیما داشتیم. خخخخخخخ...!"

خبرنگار ما تاکید کرد: "زهر مار!"



خبرگزاری فکاهی مُلانصرالدین

MollaNasroddin Satire News Agency

واقعیت خنده‌دار است!

http://mollanasroddin-magazine.ir http://msn-agency.ir

خوشگل الحکایات

چون به میمنت بخت منیر و اقبال خوشگوار بصیر، سال‌های فرخندهٔ ریاست، به رغم فقدان کیاست، سپری گشته و نوبت به انتخاب اصلح از میان نوبران و نوباوگانِ وادی سیاست رسیده، ملت عزم عظیم جزم نموده تا خردی را کلان بخشد و اورنگ مهان زیر کفلش رخشد!

بیت

آمده ملت به روز انتخاب
احسن الأضعف نشاند بر سریر
تا دهد بند سیاست را به آب
برگزیند بهترین از زیر زیر

تا نفیر اسرافیل برخاست که روز رستاخیز برپاست و خلایق را جمله باید همتی عالی بهر انتخابی غالی جزم شود و به روز انتخابات از همهٔ شهرها و دهاتات به سوی صنادیق رای هجومی سراسری گردد، همهٔ افراد و اصناف را قصد بر آن است تا همتی عظیمه را صرف گزینش مصروف عدیمه سازند.

بیت

های ملت همتی عالی کنید
همتی گر نیست، ماست مالی کنید
گر چه می‌خواهید بی‌حالی کنید
لیک بالاغیرتا اقبال توخالی کنید

تمام جارچیان بر کوس خبر می‌کوبند و نقاره‌چیان میمندی و غیر میمندی بر نفیر ابلاغ می‌دمند تا احدی بر زمین نماند که نداند و غایب آسمانی از ندای زمینی مسبوق به سابقه شود.

بیت

ای که هستی بر زمین یا عمق آب
انتخاب است انتخاب است انتخاب
هی نگو برو عامو کشکت بساب
انتخاب است انتخاب است انتخاب

لذا بر عمدهٔ اهالی محروسهٔ محصنهٔ مملکت جم واجب عینی و کفایی بالسویه است که خشتک دریده بردوخته و آنکِ گشاده به هم آورده، نعلین جفت کرده یا گیوهٔ پاره را بر پا نموده، راهی اماکن رای گردند و رجاله‌ای از رجال را برگزینند و حوالهٔ ملت دهند.

بیت

گفت: ای مرد و زن ایران زمین
گر نداری غیرت و آیین و دین
بی‌خیال از هر صفت باشد به تو
رای به ما ده تا شود مُلکت بهین





کاریکاتورها و کارتون‌های قدیمی

کیکی در خطر
اثر جیمز گیلری
۱۸۰۵
انگلستان

شرح کارتون سیاسی:

این کارتون به تقسیم جهان میان فرانسه و انگلستان در ۱۸۰۵ در دوران ناپلئون بناپارت می‌پردازد.
گیلری، به سهم ناچیز انگلستان در این رقابت جهانی اعتراض می‌کند. در این کارتون سیاسی، ویلیام پیت، نخست وزیر وقت انگلستان را در برابر ناپلئون، دستپاچه و عصبی در حال بریدن قسمت کوچکی از کیکی می‌بینید که نماد کرهٔ زمین است.

MollaNasroddin Satire Magazine 30

